

## تحلیل شاخص‌های ذهنی کیفیت محیط در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله آبکوه مشهد)

ابوالفضل مشکینی<sup>۱</sup>

مهدی پورطاهری<sup>۲</sup>

مصطفی نوروزی<sup>۳</sup>

### چکیده

مبحث کیفیت در محیط‌های سکونتی خاص هم‌چون بافت‌های فرسوده شهری به واسطه برخورداری این سکونت‌گاه‌ها از ویژگی‌هایی هم‌چون سطح بالای تراکم جمعیتی و ساختمانی و تمرکز در محیطی بعضاً فاقد ارتباطی ارگانیک با ساختار شهر، دارای حساسیت و پیچیدگی مضاعفی نسبت به سایر بافت‌های شهری است. بدین منظور، با هدف شناخت و بررسی شاخص‌های کیفیت محیط شهری و سنجش وضعیت فعلی آن در بافتی فرسوده و مسئله‌دار، شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان ادراک ساکنان از کیفیت محل سکونتشان و هم‌چنین تأثیر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی ساکنان هم‌چون سن، نوع مالکیت، سطح تحصیلات، بعد خانوار، مدت زمان سکونت در محله بر نحوه ادراک فردی از این مؤلفه‌ها و در نهایت ارائه راهکارهای مناسب جهت ارتقاء کیفیت محیط زندگی، محله آبکوه واقع در شهر مشهد که دارای بافتی با هسته روستایی، ارگانیک و بسیار متراکم می‌باشد، به‌عنوان محدوده مطالعاتی انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از رضایتمندی پایین ساکنان از کیفیت محیط در محدوده مورد مطالعه و تأثیرات ناشی از ویژگی‌های فردی در ادراک رضایتمندی و یا نارضایتی آنان می‌باشد. ویژگی‌های فردی نقش مؤثری در نحوه نگرش و ادراک

Email: abolfazl.meshkini@gmail.com

۱- عضو هیأت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- عضو هیأت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس.

ساکنان به مقوله کیفیت محیط، را دارند و متغیرهای سن، مدت زمان سکونت در محله و سطح تحصیلات، بیشترین ارتباط را با ادراک افراد از کیفیت محیط محله خود دارا می‌باشند. به طوری که با بالا رفتن سطح تحصیلات، میزان رضایتمندی از کیفیت محیط پایین می‌آید. همچنین با افزایش سن و مدت زمان سکونت در محله، رضایتمندی نیز افزایش پیدا می‌کند.

**واژگان کلیدی:** کیفیت محیط شهری، رضایتمندی، شاخص‌های ذهنی، بافت‌های فرسوده، محله آبکوه.

#### مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و شهرگرایی در کشورهای در حال توسعه و به دنبال آن رشد مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی در شهرها باعث شکل‌گیری بافت‌های مختلف شهری گردیده است. این تغییرات در بافت جدید شهری در قالب مدرنیسم و در بافت قدیمی در قالب فرسودگی نمود یافته است. لذا بخشی از فضاهای شهری که در مراکز شهرها و در بافت قدیم و یا مناطق پیرامون شهر که در اثر بافت‌های خودرو ایجاد شده‌اند رو به فرسودگی رفته و کیفیت زندگی در این مکان‌ها به شدت کاهش پیدا نموده است. این بافت‌ها که زمانی به عنوان مکان‌هایی پویا و سرزنده به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دادند، با گذشت زمان و طی تحولات شهرنشینی اخیر و رشد شتاب آلود آن، خود را در احاطه بافت جدید شهری یافتند و نتوانستند تا خود را با مقتضیات بافت جدید شهری وفق دهند و به تدریج انطباق‌پذیری خود را با حوزه پیرامون از دست می‌دهند. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. بافت‌های قدیمی و فرسوده، بخش قابل توجهی از پهنه بسیاری از شهرهای کشورمان را تشکیل می‌دهند که به دلیل معضلات خاص خود از گستره حیات شهری خارج گشته و به بخش‌های مسئله‌دار شهرها تبدیل گشته‌اند. کمبود سطوح فضاهای باز، ساخت و سازهای فاقد کیفیت، نحوه دفع فاضلاب‌های خانگی و نیز محرومیت از دسترسی به خدمات عمومی، جنبه‌هایی از کیفیت ناپایدار زندگی شهری و بافتی غیرسالم را معرفی می‌کنند.



شهر مشهد به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران، دارای تاریخی بس طولانی در سکونت می‌باشد. ویژگی‌های سکونتگاهی این شهر، در طول تاریخ دستخوش تغییراتی گردیده، اما از حدود دهه ۱۳۵۰ رشد شتابانی یافته و به دومین کلانشهر کشور تبدیل شده است. از همین رو به دلیل قدمت زیاد و گسترش فضایی بی‌رویه و بدون برنامه، بافت‌های فرسوده زیادی را در خود و پیرامون خود جای داده، که عمدتاً این بافت‌ها به لحاظ کالبدی، اجتماعی و اقتصادی دارای معضلات و مشکلات فراوانی می‌باشند. محله آبکوه از جمله این مناطق است که دارای بافتی با هسته روستایی، ارگانیک، فرسوده و بسیار متراکم در مرکز جغرافیایی شهر مشهد و منطقه یک بوده و در مسیر تحول و دگرگونی خود به بافتی خودرو تبدیل شده است. محله آبکوه با قدمت بالای شکل‌گیری روستایی در سال ۱۱۰۰ در حال حاضر پس از گسترش شهر، در داخل شهر ادغام گردیده و فرسودگی، عدم خوانایی، فقدان تأسیسات و تجهیزات و نبود دسترسی‌های مناسب، این محدوده را در زمره سکونتگاه‌های مسئله‌دار از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهر مشهد قرار داده است. این محله به لحاظ موقعیت، در میان محلاتی قرار گرفته که به لحاظ کیفیت زندگی و منزلت اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند، اما از لحاظ کلیه شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در سطح پایین بوده و عدم تعادل میان این بافت و حوزه فراگیرش به شدت مشاهده می‌گردد. این گسستگی ساختار فضایی و اجتماعی سبب از بین رفتن تعاملات اجتماعی گردیده و به دلیل آمیختگی نادرست با فرهنگ و محیط زندگی پیرامون خود، به تدریج هویت و نظم خود را از دست داده است. بر این اساس تحلیل کیفیت زندگی در این محله به درک ما از این مکان پویایی می‌بخشد. این موضوع به ما امکان می‌دهد، تنوع و تفاوت کیفیت زندگی را در چارچوب این محله و در رابطه با بستر گسترده‌تر آن یعنی کلانشهر مشهد، درک کنیم. بدین منظور، با هدف شناخت و بررسی شاخص‌های کیفیت محیط شهری و سنجش وضعیت فعلی آن در بافتی فرسوده و مسئله‌دار، شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان ادراک ساکنان از کیفیت محل سکونتشان و همچنین تأثیر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی ساکنان هم‌چون سن، نوع مالکیت، سطح تحصیلات، بعد خانوار، مدت زمان سکونت در محله و ... بر نحوه ادراک فردی از این مؤلفه‌ها و در نهایت ارتقاء کیفیت محیط زندگی، محله آبکوه به‌عنوان

محدوده مطالعاتی انتخاب گردید. بر همین اساس سنجش وضعیت کیفی سکونت در این محله که در میزان رضایتمندی ساکنان آن تجلی می‌یابد و می‌تواند در پی خود رضایت و عدم رضایت ذهنی شهروندان را در پی داشته باشد، دارای ضرورت انکارناپذیری بوده، چرا که اشاره به ماهیت تجربه سکونت آن‌ها دارد و ممکن است بر اساس شخصیت، فرهنگ و شیوه زندگی ساکنان بیان شود. به طوری که می‌تواند به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین معیارهای سنجش اقدامات و برنامه‌ها به خصوص در بازنگری و احیاء کیفیت در این مناطق مطرح گردد. با توجه به بیان مسئله و اهمیت موضوع تحقیق و همچنین اهدافی که در بالا ذکر گردید، این پژوهش در صدد است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- رضایتمندی ساکنان از کیفیت محیط در محلهٔ آبکوه در چه سطحی قرار دارد؟

۲- چه متغیرهایی بر میزان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط تأثیرگذار می‌باشد؟

#### کیفیت محیط شهری

مفهوم کیفیت محیط شهری برای اولین بار در اولین کنفرانس هایبیتات سازمان ملل در سال ۱۹۷۶، در یک مجمع رسمی بین‌المللی مطرح شد. در این کنفرانس، کیفیت محیط را با برآورده نمودن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی مترادف دانستند که این نیازها عبارتند از غذا، مسکن، شغل، بهداشت، آزادی، شرافت، امکان پیشرفت فردی و توزیع عادلانه درآمدهای توسعه (بحرینی، ۱۳۷۷: ۴۸). البته مطالعات آکادمیک در این زمینه در دهه ۱۹۶۰ با شناسایی معیارها برای سنجش کیفیت محیط شهری شروع شد و از آن زمان تاکنون بسیاری از استانداردها برای شاخص‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و ... تدوین شده است. اکثر این مطالعات که در ایالات متحده آمریکا و انگلستان انجام می‌شد بر تعریف کیفیت زندگی تأکید داشتند (Wash, 1986). در طول دهه ۱۹۹۰ علاقه به محیط شهری در حد بی‌سابقه‌ای افزایش پیدا کرد. موازی با موج جدید توسعه پایدار، بسیاری از مؤسسه‌های بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی، برنامه‌هایی درباره کیفیت زندگی شهری آماده کردند. توسعه شاخص‌های کیفیت محیط به‌وسیله بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی همانند OECD



و UN به‌عنوان یک شرط لازم برای انجام یک سیستم برنامه‌ریزی مؤثر برای مدیریت محیطی شهر پذیرفته شده است (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰).

البته در یک دید جهانی وقوع بحران‌های زیست محیطی و نابود شدن محیط زیست جهانی در طرح موضوع کیفیت محیط به‌عنوان بخشی از مفهوم همه‌جانبه کیفیت زندگی بی‌تأثیر نبود (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰ به نقل از: Van poll, 1997: 1). از همین رو، کیفیت زندگی مردم در نواحی شهری نتیجه‌ای از تعامل مردم با محیط شهری می‌باشد. کیفیت محیط شهری مفهومی جدا از کیفیت زندگی نیست، در واقع تعریف و مصداقی از کیفیت زندگی در حوزه شهر و مسایل مربوط به آن است و قطعاً محدودتر. کیفیت زندگی شهری قویاً توسط رضایتمندی سطوحی که از نیازهای جمعی گروه‌های مختلف جمعیتی به دست آمده، تأثیر گرفته است (Discoli et al, 2014). در این قبیل مطالعات غالباً قلمروهای رفاه و بهزیستی، آلودگی، فقر و نابرابری، مسکن و محله، دسترسی و حمل و نقل، تحلیل حوزه‌های اجتماعی، هزینه‌های اقتصادی، تفاوت میان مکان‌های شهری و روستایی، شاخص‌های توصیفی و ارزشی و ... قابل بررسی است. در همین راستا پژوهش‌های فراوانی در ارتباط با کیفیت محیط شهری (Van poll, 1997; Pacione, 2003; Van kamp, 2003; Delfim and Isabel, 2006; Le & Weng, 2007; Das, 2008; Bonaiuto et al, 2015; Marans, 2015: 301)، بالاخص در مورد مفاهیم، مدل‌های بکار گرفته شده و روش‌های تحلیل را می‌توان مشاهده نمود.

تنش‌های محیط شهری از یکسو با یکدیگر پیوند خورده و از سوی دیگر به ماهیت اقتصادی و دوگانگی علل اقتصادی- محیطی و در برخی اوقات به تنش‌های اجتماعی و ناآرامی‌های سیاسی وابسته هستند. رشد سریع جمعیت و شهرنشینی، صنعتی شدن و پیشرفت تکنولوژیک، افزایش انتظارات ناشی از افزایش درآمد، شکاف میان سطح انتظارات و الگوی مصرف واقعی، کمبود هشدارهای عمومی کافی در مورد زوال محیط و از بین رفتن منابع و در نتیجه تداوم خودخواهی بشر، حفاظت از محیط زیست و همچنین ارتقاء کیفیت زندگی را با دشواری‌های متعددی روبرو نموده است (Keles, 2012). «مایکل پسیون»

معتقد است که به‌منظور تشریح اثرات محیط شهری بر ساکنان ۵ دیدگاه نظری وجود دارد. هر یک از این دیدگاه‌ها یکی از جنبه‌های زندگی شهری را شناسایی و در فهم همه‌جانبه رابطه انسان و محیط ما را یاری می‌نماید. این ۵ دیدگاه مشتمل بر رویکرد اکولوژی انسانی (Wirth, 1938)، رویکرد خرده‌فرهنگی (Fisher, 1989)، رویکرد ظرفیت محیطی (Milgram, 1970)، رویکرد جبر رفتاری (Lefcourt, 1976) و رویکرد محیط رفتاری (Barker, 1968) است. این پنج دیدگاه نظری با هم یکپارچه شده و یک مدل عمومی را حول مفهوم استرس تشکیل می‌دهند که به‌عنوان نتیجه تلاش برای سازگاری با اثرات محیطی معرفی می‌شود (مولودی، ۱۳۸۸: ۴۲).

طی مراحل اولیه توسعه سنجش کیفیت زندگی بیش‌تر شاخص‌های کیفیت مبتنی بر آمارهای دولتی بودند که با شرایط محیط عینی زندگی دنبال می‌شدند. با این حال، تأکید بیش از حد بر دیدگاه عینی به نادیده انگاشتن دیدگاه ذهنی منتهی شد. در طول دهه ۱۹۷۰ این مطالعات به جنبش شاخص‌های اجتماعی منتهی گردید (Veenhoven, 1996; Marans, 2015). به‌طوری که مطالعات مختلف در تعریف کیفیت زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی، به‌تدریج شاخص‌های ذهنی را برای سنجش کیفیت زندگی، در کانون توجه قرار دادند (Seik, 2000; Lee, 2008; Senlier, 2009; Bonaiuto et al, 2015). در نتیجه، پیشنهاد شد که کیفیت می‌بایست ذهنی باشد و مناسب‌ترین روش پژوهش کیفیت زندگی پرسش مستقیم از مردم در خصوص ادراک‌شان نسبت به زندگی است (Lee, 2008). کیفیت زندگی ذهنی، ادراک مردم را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از سنج‌های ذهنی سنجش می‌شود. در واقع سنج‌های ذهنی برآمده از ادراک و توصیف مردم از ارزیابی شرایط عینی یا داده‌های اولیه است (Das, 2008). چرا که تنها افراد می‌توانند در مورد کیفیت زندگی خود قضاوت درستی را ارائه نمایند و تجربیات زندگی‌شان، درست‌ترین سنج کیفیت زندگی می‌باشد (Anderws, 2001). تصورات ذهنی افراد در واقع کلید و پایه رفتار فضایی و تصمیم‌گیری افراد محسوب می‌گردد. اطلاع از این امر به بهبود وضعیت و برنامه‌ریزی بهتر مکان‌ها کمک خواهد نمود. اطلاع از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های افراد و انتخاب فضاهای جغرافیایی امری لازم در برنامه‌ریزی‌های

فضاهای جغرافیایی محسوب می‌شود. بدیهی است فرایندهای ذهنی نهایتاً در قلمرو فردی و عرصه‌های جمعی بازتاب رفتاری پیدا می‌کنند و بدین ترتیب از ذهنیت به عینیت درمی‌آیند. به‌همین دلیل در الگوی رفتاری به جای احساسات و واکنش‌های درونی به بررسی جنبه‌های آشکار و نموده‌های رفتاری انسان در فضا تأکید می‌شود (شکویی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲ به نقل از Kitchin et al, 1997). این بدان معناست که نحوه ارزیابی و قضاوت فرد از مکان بر پایه نیازهایش، سبب مراجعات مکرر به مکان و شکل‌گیری عواطف و احساسات مثبت درون وی می‌گردد که محصول آن متأثر نمودن رفتار فرد در مکان می‌باشد (چرخچیان، ۱۳۹۳).

### مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و توسعه‌ای و به‌لحاظ روش انجام تحقیق، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. کیفیت محیط به‌عنوان متغیر وابسته و شش شاخص عمده رضایتمندی از مسکن، امنیت محیط، بهداشت محیط، ارائه خدمات عمومی، حمل و نقل و سرزندگی به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌شود. همچنین روش‌های تحلیلی برای سنجش میزان کیفیت در محدوده مورد مطالعه و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرهای فردی بر رضایتمندی ساکنان، به صورت توأمان بکار گرفته شد. واحد تحلیل در این پژوهش عمدتاً سرپرست خانوار و افراد بالای ۲۰ سال می‌باشد. ارزش‌گذاری داده‌ها با استفاده از طیف ۵ ارزشی لیکرت انجام شد. همچنین برای تعیین تعداد حجم نمونه آماری پژوهش از فرمول کوکران استفاده گردید. بدین منظور تعداد ۳۷۰ پرسشنامه تهیه و برای آزمون فرضیه‌های طرح شده، با توجه به معیارهای انتخاب شده از کسانی که به عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شدند، تکمیل گردید. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این مطالعه روش سیستماتیک می‌باشد. منظور از این نوع فن نمونه‌گیری، پخش کردن خانوارها به‌طور یکنواخت در محدوده مطالعاتی است، به گونه‌ای که از پوشش محدوده مطالعاتی توسط خانوارهای نمونه مطمئن گردیم. در نهایت اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های مورد نظر، با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری در محیط نرم‌افزار SPSS مورد بررسی

قرار گرفت. برای سنجش سطح رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت محیط با توجه به نوع داده‌ها از طریق آزمون T-test تک نمونه‌ای اقدام شده است. همچنین برای تعیین معناداری ارتباط میان شاخص‌های کیفیت محیط و متغیرهای فردی از آزمون کای اسکوئر (Chi-square) و برای تعیین شدت و جهت همبستگی میان آن‌ها از آزمون‌های تای-بی کندال (Kendall's tau-b) و وی کرامر (Cramer's V) استفاده شده است.

مطالعه و بررسی به‌منظور تدوین معیارها و شاخص‌های کیفیت محیط شهری و ارتقاء این معیارها در بافت‌های فرسوده نیازمند جامع‌نگری در برنامه‌ریزی و مطالعه می‌باشد تا بتواند معیارها و شاخص‌های کیفیت محیط را شناسایی و طبقه‌بندی نماید. شاخص‌ها با توجه به مبانی نظری پژوهش و تجارب مطالعاتی و همچنین بر اساس هدف مطالعه مرتبط با کیفیت محیط در بافت‌های فرسوده با مرور مدل‌ها و معیارهای دیگر مطالعات انتخاب گردید. به علت نزدیک‌تر بودن شاخص‌های اثرمحور به شرایط واقعی، در این پایان‌نامه از شاخص‌های اثرمحور (احساس رضایتمندی) مبتنی بر رویکرد ذهنی به‌عنوان رهیافتی مخاطب محور استفاده گردید. این رویکرد بر ادراکات ساکنان از کیفیت سکونت و فرایندهای تجربی متمرکز می‌شود. در این روش ساکنان به منظور ارزشیابی وضعیت فعلی محیط مسکونی خود بر مبنای مجموعه‌ای از شاخص‌های کیفیت به‌وسیله ابزار پرسشنامه مورد سؤال قرار می‌گیرند. شاخص‌های مورد ارزیابی در این تحقیق با نگاه ذهنی به کیفیت محیط شهری که محصول ادراک فردی و رضایت شهروندان از محیط زندگی خود می‌باشد در شش شاخص کیفیت محیط انتخاب و برای هر کدام تعدادی گویه در نظر گرفته شد و این گویه‌ها ملاک پرسش از مردم بوده است.



جدول (۱) شاخص‌ها و گویه‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر

شاخص‌ها	گویه‌ها
رضایتمندی از واحد سکونت	تسهیلات داخلی منزل / استحکام واحد سکونت در برابر زلزله / اندازه واحد سکونت / تعداد اتاق‌ها / سروصدای وسایل و تأسیسات منزل / آلودگی هوای درون منزل / جانوران موذی / بوهای نامطبوع / دید و منظر محل سکونت / نورگیری واحد سکونت / سروصدای همسایگان / سروصدای وسایل نقلیه / هزینه‌های واحد سکونت
رضایتمندی از امنیت محیط	روشنایی معابر در شب / تردد افراد شرور و بزهکار در سطح محله / نوشته‌ها و کاغذهای روی دیوار / فضاهای متروکه و قطعات مخروبه / مسکن خالی از سکنه / شلوغی و ازدحام جمعیت / ترافیک وسایل نقلیه
رضایتمندی از بهداشت محیط	پاکیزگی و نظافت محله / نحوه جمع‌آوری زباله / نحوه جمع‌آوری آب‌های سطحی / برخورداری از آب آشامیدنی سالم / بوهای نامطبوع / آلودگی صوتی / آلودگی هوا
رضایتمندی از خدمات عمومی	مراکز خرید و فروشگاه‌ها / مراکز بهداشتی و درمانی / مراکز ورزشی و تفریحی / مراکز فرهنگی و آموزشی / پارک و فضای سبز / مراکز تجمع و گردهمایی
حمل‌ونقل و دسترسی	تسهیلات حمل‌ونقل عمومی / ابعاد دسترسی / فضای پارکینگ / کیفیت پیاده‌راه‌ها / کیفیت سواره‌راه‌ها
سرزندگی	حس مکان / تعاملات اجتماعی / جذابیت / پویایی

شهر مشهد، مرکز استان خراسان رضوی با ارتفاع ۹۸۵ متر از سطح دریا و مساحت ۲۸۸،۶۶۴،۴۵۷ مترمربع (آمارنامه شهر مشهد ۱۳۹۱، ۱۳۹۲)، در آخرین سرشماری رسمی کشور جمعیتی معادل با ۲،۷۶۶،۲۵۸ نفر داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). مساحت مصوب بافت‌های فرسوده کلانشهر مشهد ۲۲۵۸/۸ هکتار است، که نسبت آن به سطح کل محدوده شهری ۰/۰۸ درصد می‌باشد (شرکت مادر تخصصی عمران و به‌سازی شهری ایران، ۱۳۹۱). شهر مشهد از ۱۳ منطقه و ۴۳ ناحیه خدماتی و همچنین ۱۵۷ محله تشکیل شده که محله آبکوه در محدوده میانی شهر و در منطقه یک شهرداری واقع می‌باشد. این محله با ۱۹۰۶ واحد مسکونی و مساحتی حدود ۳۹ هکتار (مشاور نقش‌آزین شهر، ۱۳۸۵) دارای جمعیتی بالغ بر ۹۸۰۳ نفر (SDI, Mashhad.ir) می‌باشد. تاریخچه شکل‌گیری آبکوه به عنوان روستایی در اطراف شهر مشهد به قبل از آغاز دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد. قلعه

آبکوه پیش از توسعه فیزیکی شهر مشهد به شکل روستایی در فاصله ۶ کیلومتری غرب آن قرار داشته است. این روستا به دلیل سرعت زیاد توسعه فیزیکی کلانشهر مشهد طی دهه ۱۳۳۰، حاشیه شهر و از اواخر دهه ۱۳۴۰، داخل بافت شهری مشهد قرار گرفت. ساخت و سازهای روستایی و شکل‌گیری توسعه ثانویه بر اساس الگوهای اولیه و قدمت شکل‌گیری محله و همچنین عدم وجود مالکیت ساکنان به دلیل تصرف زمین‌های متعلق به آستان قدس و اوقاف، منجر به فرسوده محله آبکوه گردیده است (مقدم آریایی و همکاران، ۱۳۸۷).



شکل (۱) موقعیت محله آبکوه در شهر مشهد

## یافته‌ها و بحث

ابتدا متغیرهای اجتماعی و اقتصادی از وضعیت پرسش‌شوندگان را مورد بررسی قرار خواهیم داد. به لحاظ توزیع سنی، چهار گروه سنی بین ۲۰ و ۳۵ سال، بین ۳۵ و ۵۰ سال، بین ۵۰ و ۶۵ سال و بالاتر از ۶۵ سال مدنظر قرار گرفته است. عمده پاسخگویان در گروه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال با فراوانی ۱۵۰ نفر (۴۰/۵٪) قرار دارند. به لحاظ جنسیت، تعداد ۲۶۸ نفر (۷۲/۴٪) از پاسخگویان را مردان و تعداد ۱۰۲ نفر (۲۷/۶٪) را زنان تشکیل می‌دهند. در ارتباط با

وضعیت تأهل، تعداد ۳۲۲ نفر (۸۷٪) از پاسخگویان را متأهلان و تعداد ۴۸ نفر (۱۳٪) را مجردان تشکیل می‌دهند. به لحاظ سطح تحصیلات، سطوح تحصیلی در نظر گرفته شده در این پژوهش عبارتند از بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و تحصیلات عالی. سطح متوسطه دارای بیش‌ترین تعداد با فراوانی ۱۴۱ نفر (۳۸/۱٪) می‌باشد. پس از آن سطح ابتدایی با ۱۲۴ نفر (۳۳/۵٪)، سطح راهنمایی با ۶۲ نفر (۱۶/۸٪)، سطح عالی با ۳۶ نفر (۹/۷٪) و بی‌سوادان با ۷ نفر (۱/۹٪) قرار دارند. به لحاظ سطح درآمد، پاسخگویان در سطح نسبتاً پایینی قرار دارند. افراد با سطح درآمد بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان بیشترین فراوانی را دارند و پس از این گروه، افراد با سطح درآمد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان قرار می‌گیرند. در ارتباط با بعد خانوار، خانواده‌های با بعد ۲ نفر، ۴۹ خانوار (۱۳/۲٪)، با بعد ۳ نفر، ۱۱۳ خانوار (۳۰/۵٪)، با بعد ۴ نفر، ۱۲۴ خانوار (۳۳/۵٪) و با بعد ۵ نفر، ۸۴ خانوار (۲۲/۷٪) را تشکیل می‌دهند. نحوه توزیع شاغلان در گروه‌های شغلی مختلف نشان می‌دهد که بیش‌تر افراد پاسخگو با اختصاص سهم ۴۲/۷ درصد (۱۵۸ نفر) دارای شغل آزاد هستند. هم‌چنین گروه غیرشاغلان (بازنشسته‌ها، سربازان، دانشجویان، خانه‌دارها و بیکاران) با سهم ۲۴/۱ درصد (۱۰۴ نفر) در رده بعدی قرار دارد و پس از آن کارمندان خصوصی با ۱۹/۵ درصد (۷۲ نفر) و در رده آخر هم کارمندان دولتی با سهم ۹/۷ درصد (۳۶ نفر) قرار دارند. تملک در محدوده مورد مطالعه نیز بدین صورت است که ۲۹۰ نفر (۷۸/۴٪) از حجم نمونه، مالک و ۸۰ نفر (۲۱/۶٪) نیز مستأجر می‌باشند. در ارتباط با مدت زمان سکونت، ۲۲۸ نفر (۶۱/۶٪) بیشتر از ۱۵ سال در محله آبکوه سکونت داشته‌اند. ۸۰ نفر (۲۱/۶٪) بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۴۵ نفر (۱۲/۲٪) بین ۵ تا ۱۰ سال و ۱۷ نفر (۴/۶٪) نیز در مدت کم‌تر از ۵ سال در این محله سکونت داشته‌اند.

جهت تعیین اعتبار پرسشنامه، آزمون مقدماتی به‌عمل آمد. بدین ترتیب که پرسشنامه در مرحله اصلاحی توسط ۳۰ نفر از ساکنان محدوده مورد مطالعه، خارج از نمونه تحقیق تکمیل گردید تا اطمینان حاصل شود که افراد پاسخگو، تمام سؤالات را درک کرده‌اند. سپس اصلاحات در سؤالات اعمال گردید (مرحله پیش‌آزمون). بررسی پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ انجام گردید. مقدار آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۴۶ به‌دست آمد؛ که این امر بیانگر آن است که اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه قابل اطمینان می‌باشد.

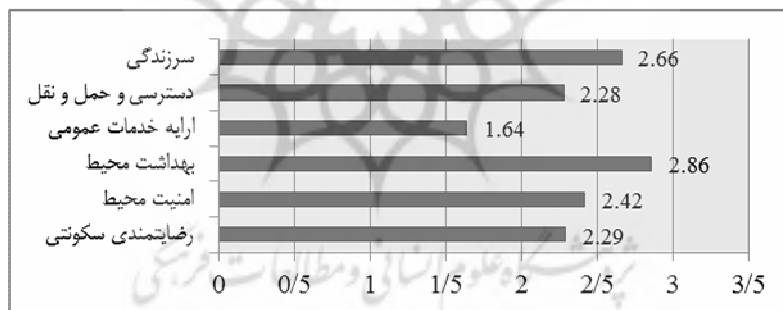
برای محاسبه میانگین امتیاز کیفیت محیط در بین شاخص‌های مختلف ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها در این گروه‌ها بررسی شد. بدین منظور از آزمون تک‌نمونه‌ای کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون توزیع داده‌ها در گروه‌های مزبور نرمال می‌باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، کلیه شاخص‌های به‌کار رفته در پژوهش حاضر (رضایتمندی از واحد سکونت، امنیت محیط، بهداشت محیط، دسترسی به خدمات عمومی، حمل و نقل و ارتباطات و سرزندگی) با متغیر وابسته کیفیت محیط ارتباط معناداری داشته ( $P < 0.05$ ) و مفهوم کیفیت محیط را از دیدگاه ساکنان محله آبکوه به‌صورت کمی بیان کردند. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای در مورد وضعیت کیفیت محیط و شاخص‌های تشکیل دهنده آن مطابق با جدول (۲) به دست آمد. با توجه به این جدول میزان رضایتمندی ساکنان محله آبکوه در سطح پایینی می‌باشد (۲/۳۶).

جدول (۲) نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای میانگین شاخص‌های کیفیت محیط

شاخص	آماره t	$\alpha$	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	معنی‌داری (sig)
رضایت از واحد سکونت	-۳۱/۶۰۲	۳	۲/۲۹	۰/۴۳۱	-۰/۷۰۸	۰/۰۰۰
امنیت محیط	-۲۱/۲۱۲	۳	۲/۴۲	۰/۵۱۷	-۰/۵۷۰	۰/۰۰۰
بهداشت محیط	-۶/۱۴۶	۳	۲/۸۶	۰/۴۲۱	-۰/۱۳۴	۰/۰۰۰
خدمات عمومی	-۹۳/۳۴۴	۳	۱/۶۴	۰/۲۸۰	-۱/۳۵۹	۰/۰۰۰
حمل‌ونقل و دسترسی	-۳۴/۰۷۰	۳	۲/۲۸	۰/۴۰۳	-۰/۷۱۴	۰/۰۰۰
سرزندگی	-۷/۸۲۲	۳	۲/۶۶	۰/۸۲۶	-۰/۳۵۵	۰/۰۰۰
رضایتمندی کل	-۴۰/۷۸۳	۳	۲/۳۶	۰/۳۰۰	-۰/۶۳۷	۰/۰۰۰

شاخص بهداشت محیط با ضریب (۲/۸۶) بالاترین سطح رضایتمندی از کیفیت محیط را به‌خود اختصاص داده است. بیش‌ترین رضایتمندی مربوط به گویه کیفیت آب آشامیدنی با میانگین ۳/۷۳ و کم‌ترین رضایتمندی مربوط به گویه جمع‌آوری آب‌های سطحی با میانگین ۱/۵۶ می‌باشد. شاخص سرزندگی با میانگین (۲/۶۶) پس از شاخص بهداشت محیط بیش‌ترین رضایتمندی ساکنان را به‌دنبال داشته است. بالاترین رضایتمندی از گویه‌های مذکور مربوط

به تعاملات اجتماعی با مقدار  $3/16$  و کم‌ترین میزان مربوط به گویه حس مکان با مقدار  $1/65$  می‌باشد. در شاخص امنیت محیط با میانگین رضایتمندی  $(2/42)$ ، بیش‌ترین رضایتمندی مربوط به گویه مسکن خالی از سکنه با مقدار  $3/28$  و کم‌ترین رضایتمندی مربوط به گویه فضاهای خالی و قطعات مخروبه با مقدار  $1/55$  می‌باشد. شاخص رضایت از مسکن از میانگینی معادل  $(2/29)$  برخوردار بوده که بیش‌ترین رضایتمندی مربوط به گویه آلودگی هوای منزل با مقدار  $2/89$  و کم‌ترین رضایتمندی مربوط به گویه استحکام واحد سکونت در مقابل زلزله با میانگین  $1/65$  می‌باشد. شاخص حمل و نقل و ارتباطات با میانگین  $(2/28)$  از ۵ گویه تشکیل شده است. بیش‌ترین میزان مربوط به گویه ابعاد دسترسی (دسترسی به شبکه بزرگراهی، دسترسی به مراکز اداری شهر و فاصله منزل تا محل کار) با مقدار  $3/64$  و کم‌ترین میزان مربوط به گویه کیفیت پیاده‌راه‌ها (به لحاظ عرض، نوع مصالح و استفاده برای معلولان) با مقدار  $1/20$  می‌باشد. پایین‌ترین سطح رضایتمندی هم مربوط به شاخص دسترسی و برخورداری از خدمات عمومی در سطح محله با میانگین رضایتمندی  $(1/64)$  می‌باشد.



شکل (۲) میانگین رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت محیط

برای پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش، ۸ متغیر فردی که در توصیف نمونه به آن پرداخته شد (سن، جنسیت، سطح تحصیلات، سطح درآمد، بعد خانوار، وضعیت اشتغال، نوع مالکیت و مدت زمان سکونت) و رابطه آن با میزان رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت محیط در محدوده مورد نظر مورد آزمون قرار گرفته است. بدین منظور از آزمون کای

اسکوئر (Chi-square) برای تعیین وجود رابطه معناداری بین متغیرها و شاخص‌های کیفیت محیط استفاده شده است.

جدول (۳) رابطه بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی با شاخص‌های کیفیت محیط

شاخص	سن	بعد خانوار	درآمد	تحصیلات	مدت سکونت	جنسیت	وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال
واحد سکونت	۰،۰۰۰	۰،۱۲۹	۰،۲۹۰	۰،۰۰۰	۰،۱۸۷	۰،۰۲۶	۰،۰۰۱	۰،۰۳۳
امنیت محیط	۰،۰۰۸	۰،۳۱۹	۰،۵۳۲	۰،۰۰۱	۰،۸۲۶	۰،۰۰۰	۰،۰۰۳	۰،۰۴۲
بهداشت محیط	۰،۰۰۰	۰،۰۰۵	۰،۷۳۷	۰،۰۰۱	۰،۱۵۲	۰،۵۸۲	۰،۰۵۷	۰،۲۳۱
ارایه خدمات عمومی	۰،۰۰۰	۰،۰۶۷	۰،۰۰۷	۰،۰۱۴	۰،۰۱۲	۰،۰۷۲	۰،۰۱۴	۰،۰۹۴
دسترسی و حمل و نقل	۰،۰۰۶	۰،۰۰۲	۰،۰۱۴	۰،۳۸۶	۰،۰۱۴	۰،۳۲۶	۰،۰۱۶	۰،۵۱۰
سرزندگی	۰،۰۰۰	۰،۰۰۳	۰،۰۰۱	۰،۰۰۰	۰،۰۰۰	۰،۰۰۰	۰،۱۸۳	۰،۰۰۰
رضایتمندی کل	۰،۰۰۰	۰،۰۷۹	۰،۳۴۸	۰،۰۰۰	۰،۰۱۰	۰،۳۰۳	۰،۰۶۱	۰،۷۶۰

به‌منظور تعیین شدت و جهت رابطه متغیرهای سن، بعد خانوار، سطح تحصیلات، سطح درآمد و مدت زمان سکونت در محله که دارای مقیاس رتبه‌ای هستند از ضریب همبستگی تای-بی کندال (Kendall's tau-b) و برای متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال که دارای مقیاس اسمی هستند از ضریب همبستگی وی‌کرامر (Cramer's V) استفاده شده است. جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی بین شاخص‌ها و متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۴) همبستگی بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی با شاخص‌های کیفیت محیط

شاخص	سن	بعد خانوار	درآمد	تحصیلات	مدت سکونت	جنسیت	وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال
واحد سکونت	۰/۲۶۴	-۰/۰۸۰	۰/۰۶۹	-۰/۱۴۷	۰/۰۴۷	-۰/۱۴۷	۰/۱۹۴	۰/۱۹۳
امنیت محیط	۰/۱۱۳	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۹	-۰/۰۰۴	۰/۱۷۶	۰/۱۸۸
بهداشت محیط	۰/۲۳۶	-۰/۰۶۴	-۰/۰۸۵	-۰/۱۰۲	۰/۰۸۵	-۰/۱۰۲	۰/۱۲۵	۰/۱۴۸
ارایه خدمات عمومی	۰/۰۹۹	۰/۰۷۲	-۰/۰۴۳	-۰/۱۱۴	۰/۱۳۲	-۰/۱۱۴	۰/۱۵۲	۰/۱۷۱
دسترسی و حمل و نقل	۰/۰۸۰	۰/۰۸۰	-۰/۰۸۴	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۰۶	۰/۱۴۹	۰/۱۱۹
سرزندگی	۰/۰۴۴	۰/۱۰۹	۰/۱۳۲	۰/۳۷۷	۰/۳۹۱	۰/۳۷۷	۰/۰۹۶	۰/۲۵۶
رضایتمندی کل	۰/۳۷۰	۰/۰۲۹	-۰/۰۱۳	-۰/۲۰۵	۰/۱۸۲	-۰/۲۰۵	۰/۱۲۳	۰/۰۹۶



از بین شاخص‌های شش‌گانه کیفیت محیط، شاخص سرزندگی با هفت بار ایجاد رابطه معناداری بیشترین تأثیرپذیری را از ویژگی‌های فردی داشته است. شاخص‌های رضایتمندی از واحد سکونت، امنیت محیط، دسترسی به خدمات عمومی و حمل و نقل و ارتباطات هر کدام با پنج بار ایجاد رابطه معناداری در ردیف بعد قرار می‌گیرند. شاخص بهداشت محیط هم با سه بار رابطه معناداری کمترین تأثیر را داشته است. هم‌چنین متغیرهای سن، مدت زمان سکونت در محله و سطح تحصیلات، بیش‌ترین ارتباط را با رضایتمندی ساکنان دارند. بیش‌ترین شدت همبستگی مربوط به متغیر سن می‌باشد. هم‌چنین متغیر تحصیلات دارای جهتی معکوس با رضایتمندی بوده، به طوری که با افزایش تحصیلات میزان رضایتمندی از کیفیت محیط کاهش می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

همزمان با پدیدار شدن بحران‌های محیطی، کیفیت محیط سکونت به‌عنوان بخشی از مفهوم کلی کیفیت زندگی شناخته شد. این مفهوم به‌مثابه بازتابی از تمامی جوانب احساس رفاه فردی، شامل همه متغیرهایی که بر رضایتمندی انسان مؤثرند، تعریف شده است. تحلیل و ارزیابی شرایط کیفی محیط‌های مسکونی به واسطه روش‌های کمی و مدل‌های تجربی رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی کیفیت محیط، مؤلفه‌های محیطی نامطلوب و آسیب‌پذیر و وزن و اهمیت نسبی آن‌ها در میزان کیفیت مناطق مختلف شهری بالاخص مناطق ناکارآمد و مسئله‌دار هم‌چون بافت‌های فرسوده به‌کار می‌رود. بافت‌های فرسوده، زمانی احیاء می‌شوند که زمینه‌های رشد مداوم آنها فراهم شود و قدرت خودترمیمی به آنها باز گردد. این مهم، از طریق توجه به تمامی ابعاد فرسودگی و آسیب شناسی بافت در تمام این زمینه‌هاست. در این میان، توجه به کیفیت‌های محیطی این گونه بافت‌ها و ارتقاء این کیفیات، از رویکردهایی است که نباید از آن غافل بود. بافت‌های فرسوده شهری، امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده‌اند و اغلب اوقات آن‌گونه که باید پاسخگوی نیازهای ساکنانشان نیستند و همین امر میزان رضایتمندی ساکنان آن‌ها را از محیط زندگی خود کاهش داده است. در این میان دست پیدا کردن به

نتایج نزدیک به واقعیت و قابل اعتماد که مبنای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری پیرامون راهکارهای اقدام و مداخله کالبدی و غیرکالبدی در محیط‌های مسکونی قرار گیرد، مشروط به کاربرد آن دسته از رویکردهای سنجش کیفیت محیط است که بر ارزیابی دیدگاه‌های ساکنان در مورد وجوه مختلف محیط زندگی آنان استوار باشد. با ملحوظ داشتن این واقعیت، در پژوهش حاضر برای سنجش کیفیت محیط در بافت فرسوده محله آبکوه از رویکرد رضایتمندی ساکنان به‌عنوان رهیافتی اثر محور استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از رضایتمندی پایین ساکنان از کیفیت محیط در محدوده مورد مطالعه و تأثیرات ناشی از ویژگی‌های فردی در ادراک رضایتمندی و یا نارضایتی آنان می‌باشد. ویژگی‌های فردی نقش مؤثری در نحوه نگرش و ادراک ساکنان به مقوله کیفیت محیط، را دارند و متغیرهای سن، مدت زمان سکونت در محله و سطح تحصیلات، بیشترین ارتباط را با ادراک افراد از کیفیت محیط محله خود دارا می‌باشند. به‌طوری که با بالا رفتن سطح تحصیلات، میزان رضایتمندی از کیفیت محیط پایین می‌آید. از تحصیلات به منزله یک ضرورت برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌ها قلمداد می‌شود. در واقع، تحصیلات به مثابه ابزاری جهت چیره شدن بر موانع روانشناختی نظیر ناآگاهی یا اطلاعات غلط به‌کار گرفته می‌شود. هم‌چنین با افزایش سن و مدت زمان سکونت در محله، رضایتمندی نیز افزایش پیدا می‌کند. در فرایند ادراک محیط و نتایج آن، بین افراد جوان و کهنسالان تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. تفاوت سنی مشمول رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی در گذر زمان است. در ارتباط با مدت زمان سکونت در محله، افکار مختلفی در افراد جامعه مشاهده می‌شود که دامنه ادراک و فهم آنها را نسبت به کیفیت محیط محله مشخص می‌کند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش، موارد ذیل جهت ارتقاء شاخص‌های شش‌گانه کیفیت محیط زندگی در محله آبکوه پیشنهاد می‌شود:

۱- برای افزایش ایمنی در برابر زلزله، باید میزان مقاومت‌پذیری خانه‌های کنونی ارتقاء یابد. اما به علت فرسودگی شدید اکثر خانه‌های محله آبکوه، این مقاوم‌سازی تنها از طریق



ساخت و سازه‌های جدید می‌تواند عملی شود. اعطای وام برای این مهم، می‌تواند به ایجاد مسکن متناسب با توان خانوار در طرح بهسازی و نوسازی محله منجر گردد.

۲- به منظور افزایش احساس امنیت، توجه به روشنایی معابر بالاخص معابر بن‌بست که به فضاهای جرم‌خیز تبدیل شده‌اند و همچنین افزایش تعداد استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی، به‌ویژه کودکان و زنان با ارائه امکانات به این مکان‌ها، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

۳- از آنجا که آب‌های سطحی به داخل چاه‌هایی که در هر کوچه به فواصل ۱۰ تا ۱۵ متر قرار دارند، می‌تواند به‌منزله انباشتن یک آلودگی بالقوه قلمداد شود، سامانه دفع آب‌های سطحی در محدوده پیشنهاد می‌گردد. جلوگیری از تخلیه زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی در قطعات مخروبه و زمین‌های خالی نیز باعث ارتقاء بخشی بهداشت محیط محله خواهد شد.

۴- در زمینه کمبود فضاهای تفریحی و ورزشی، تغییر کاربری عناصر ناهمخوان به این قبیل فعالیت‌ها پیشنهاد می‌شود. برای بهبود سرانه فضای سبز، اختصاص دادن فضای حد واسط بافت جدید و محله آبکوه به پارک‌های محلی و همچنین درختکاری حاشیه معابر اصلی و فرعی و برای سایر سرانه‌ها، کاهش کاربری‌های تجاری در محدوده و تبدیل آنها به کاربری‌های مورد نیاز نظیر بهداشتی و درمانی، فرهنگی و آموزشی و ... پیشنهاد می‌شود.

۵- کارکرد فرامنطقه‌ای منطقه یک باعث شده که شلوغی بیش از حد خیابان‌های پیرامون بافت مشکلاتی را برای جابجایی و حمل و نقل ساکنان ایجاد کند. در این زمینه کاهش بار فعالیتی خیابان‌های پیرامون (دستغیب، سجاده، فلسطین و راهنمایی) از طریق انتقال برخی کاربری‌های فرامنطقه‌ای، می‌تواند در برطرف کردن این مشکل مؤثر باشد. ارتقاء کیفیت شبکه معابر پیاده و سواره موجود از طریق ترمیم آسفالت، جدول‌کشی و ... با در نظر گرفتن امکانات و تسهیلات ویژه برای افراد معلول و سالخورده در پیاده‌روهای محله پیشنهاد می‌شود.

۶- در ارتباط با بهبود سرزندگی و شادکامی ساکنان، افزایش حس مکان، همبستگی اجتماعی و وابستگی مکانی ساکنان محله از طریق تشکیل گروه‌های محلی در میان رده‌های مختلف ساکنان، از جمله گروه‌های سنی جوانان، بزرگسالان، زنان و ...، ایجاد انگیزه‌های لازم به منظور جلب مشارکت ساکنان در فعالیت‌های محله‌ای و نهادینه‌سازی مشارکت درون گروه‌های محلی، بهره‌گیری از پتانسیل حسینیه‌ها و مساجد موجود در محله برای ایجاد کانون‌های جمعی و همچنین ایجاد پاتوق‌های محله‌ای مناسب می‌تواند به‌عنوان راهکار مورد توجه قرار گیرد.



## منابع

- آمارنامه شهر مشهد ۱۳۹۱ (۱۳۹۲)، «انتشارات معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد با نظارت مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات».
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۷)، «فرایند طراحی شهری»، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌نژاد، علی؛ رفیعیان، مجتبی و حسین زمانی (۱۳۹۰)، «بررسی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر میزان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی، (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شیراز)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷، صص ۱۲۹-۱۴۳.
- چرخچیان، مریم (۱۳۹۳)، «بررسی نقش ویژگی‌های فردی در میزان دلبستگی کاربران به فضاهای شهری (نمونه موردی: خیابان خیام در قزوین)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۷، صص ۵۵-۶۹.
- رفیعیان، مجتبی؛ مولودی، جمشید و مهدی پورطاهری (۱۳۹۰)، «سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)»، فصلنامه مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۳، صص ۱۹-۳۸.
- شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری (۱۳۹۱)، «بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری»، پایگاه اینترنتی وزارت راه و شهرسازی، تاریخ بازدید: ۱۳۹۱/۹/۸.
- شکویی، حسین؛ مشیری، سیدرحیم و احمد خادم‌الحسینی (۱۳۸۵)، «بررسی و شناخت توانهای بازار اصفهان در جذب گردشگر»، فصلنامه علوم جغرافیایی، شماره ۱، صص ۷-۳۶.
- شهرداری مشهد (۱۳۹۳)، «معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات، SDI, Mashhad.ir».
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
- مقدم آریایی، علی؛ ایزدی، سیده‌سمانه و مریم تمیز (۱۳۸۷)، «امکان سنجی تحقق رویکرد تنظیم مجدد زمین در بافت‌های فرسوده شهری نمونه موردی: قلعه آبکوه مشهد»، مشهد، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری.

- مولودی، جمشید (۱۳۸۸)، «سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی مجتبی رفیعیان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهندسان مشاور نقش‌آزین شهر (۱۳۸۵)، «طرح توانمندسازی محله آبکوه مشهد».
- Anderws, Clinton. J. (2001), "Analysing Quality of Place", *Environment and Planning*, No: 28, PP: 201-217.
- Bonaiuto, Marino & Fornara, Ferdinando & Ariccio, Silvia & Cancellieri, Uberta. G. & Rahimi, Leila (2015), "Perceived Residential Environment Quality Indicators (PREQIs) relevance for UN-HABITAT City Prosperity Index (CPI)", *Habitat International*, Vol: 45, part 1, PP: 53-63.
- Das, Daisy (2008), "Urban Quality of Life: A Case Study of Gawahati", *Social Indicators Research*, No: 88, PP: 297-310.
- Delfim, L & Isabel, M. (2006), "Monitoring Urban Quality of Life: the Porto Experience", *Social Indicators Research*, Vol: 80, PP: 411-425.
- Discoli, Carlos & Martini, Irene & San Juan, Gustavo & Barbero, Dante & Dicroce, Luciano & Ferreyro, Carlos & Esparza, Jérica (2014), "Methodology aimed at evaluating urban life quality levels", *Sustainable Cities and Society*, Vol: 10, PP: 140-148.
- Keles, Rusen (2012), "The Quality of Life and the Environment", *Social and Behavioral Sciences*, Vol: 35, PP: 23-32.
- Kitchin, Robert. M & Mark, Blades & Reginalal, G. Golledy (1997), "Relation between Psychology and Geography", *Environment and Behavior*, Vol: 29, No: 4, PP: 554 – 573.
- Lee, Yung. Jaan, (2008), "Subjective Quality of Life Measurement in Taipei", *Building and Environment*, Vol: 43, PP: 1205–1215.
- Li, G. & Weng. Q. (2007), "Measuring the Quality of Life in City of Indianapolis by Integration of Remote Sensing and Census Data", *International Journal of Remote Sensing*, Vol: 28, No: 2, PP: 249-267.

- Marans, Robert. W. (2015), "Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities", Vol: 45, Part 1, PP: 47- 52.
- Pacione, Michael (2003), "Urban Environmental quality and human wellbeing-a social geographical perspective", *Landscape and Urban Planning*, No. 65, PP: 19-30.
- Seik, F.T. (2000), "Subjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore", *Habitat International*, Vol: 24, PP: 31-49.
- Senlier, Nihal & Yildiz, R & Aktas, D. (2009); "A Perception Survey for the Evaluation of Urban Quality of Life in Kocaeli and Comparison of the Life Satisfaction with the European Cities", *Social Indicator Research*, Vol: 94, No: 2, PP: 213-226.
- Van Kamp, Irene & Leidelmeijer, Kees & Marsman, Gooitske & De Hollander, Augustinus (2003), "Urban Environmental Quality and Human Well-being toward a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts: Literature Stud", *Journal of Landscape and Urban Planning*, No. 65, PP: 5-18.
- Van poll, Ric (1997), "The Perceived Quality of the Urban Residential Environment: A Multi Attribute Evaluation", PhD-Thesis, Center for Energy and Environmental Studies (IVEM), University of Groningen (RUG), The Netherland.
- Veenhoven, Ruut (1996); "Happy Life-expectancy: A Comprehensive Measure of Quality-of-Life in Nations", *Social Indicators Research*, No: 39, PP: 1-58.
- Wish, Naomi Bailin (1986), "Are we measuring the Quality of Life? Well-being has Subjective Dimensions, as well as Objective Ones", *American Journal of Economics and Sociology*, Vol: 45, Issue: 1, PP: 93-99.